

امانت مشتری



در بانکهای ربوی



و بانک بدون ربا



برای «بانکهای ربوی» که اساس آنها بر ربا خواری استوار است امانت مشتری چندان مطرح نیست، زیرا آنها اصل و فرع پول خود را می‌خواهند و قیلاهم با گرفتن گروگانی حداقل سه برابر اصل وام طبق شرایطی غلاظ و شداد خاطرشان از این جهت آسوده است، و نیز بر اساس بهره با نرخ معین می‌توانند هر سال بلکه هر روز و هر ماه بیلان بدهند و ترازنامه منتشر کنند و سود ویژه خود و درآمد دارندگان حساب ثابت و پس انداز را بامیز و اعشار تعیین نمایند.

بانک اسلامی در این موارد چه می‌کند؟ با مشتری خائن چگونه رفتار می‌نماید؟ سود و زیان مضاربه را با چه میزانی می‌سنجد؟ و بالاخره چگونه می‌تواند بیلان منتشر کند؟ و درآمد خود و دارندگان حسابهای ثابت و پس انداز را تعیین نماید؟ این مقاله پاسخگوی این سؤالات است.



کند و در وقت بی‌نیازی و یا نیاز دیگران، خود را می‌گیرند، و افاده می‌فروشند عیناً همانند داستان

مردم دنیا طلب رفتارشان با دیگران بدو گونه است: به گاه احتیاج و نیاز در مقابل آنها کرنش می—

بعد نامهات را بگیریم اهم از اینکه تقاضایت پذیرفته شود و یانه امتتها اگر تقاضایت رد شد حق داری موجودیت را از بانک پس بگیري پس اول لازم است يك وام اجباري به بانک بدهي و سپس تقاضای وام کنی و درصفت انتظار به نوبت بنشیني (ایسن شرط اخیراً غلیظتر شده و می بایست شش ماه قبل از درخواست وام حساب پس انداز باز کرد) سپس دستور میدهند مبلغی که گاه دهها برابر مقداری است که يك نفر مهندس و معمار آزاد برای ارزیابی خانهات می خواهند به بانک پردازی و سپس به انتظار رسیدن روز نوبت ارزیابی روز شماری کنی (۳) اگر هم اعتراض کنی که چرا این قدر برای ارزیابی و روی چه میزانی؟ می گویند وام می خواهی همین است و حق اعتراض نداری که همیشه حق با بانک است تعیین نوبت برای ارزیابی هم با بانک و مأمور مربوطه است! مگر آنکه بتوانی از راههای غیر طبیعی و غیر قانونی مأمور را به بینی که خانه و کاشانهات را زودتر بقدم شریفش مزین سازد.

که در این صورت :

باغبانی که تا باغش انگور داشت بچهها او را «کل-باقر» صدا می زدند و همینکه انگورها خلاص می شد یاقر کوروش می گفتند! که اشعارش معروف است (۱) و از این جهت بانکهها که سبیل دنیا طلبان در عصر حاضر ندرند مقابل پولداران برای جلب سرمایه هاشان مجسمه های اخلاق و خوش رفتاری هستند و در برابر تاجر و کاسب نیازمند به وام جور دیگر (۲)

در این گونه بانکهها همیشه اصل «حق با بانک است» حکومت می کند؛ مقررات همیشه مشتری را محدود می کند و نه بانک را! نرخ بهره برای مشتری مثلا ۷٪ است و از این مقررات بیهیچوجه نمیشود تجاوز کرد، و برای بانک ۱۲٪ ولی بانک می تواند تا میزان سه درصد نیز به عنوان کارمزد و سایر مخلفات!! اضافه نماید.

مشتری خانه ای دارد که به نرخ بازاریش از يك میلیون ریال می ارزد، می خواهد ایسن خانه را گرو بگذارد و وام بگیرد، بانک حق دارد برای اینکه تقاضا نامه چنین مشتری را بگیرد دستور بدهد که يك حساب پس انداز با فلان مقدار موجودی افتتاح کن تا

- ۱ - تا که باغم داشت انگور عسکری
- چونکه باغم خالی از انگور شد
- ۲ - مسلم است که وضع پولی بازار در حسن سلوک و یا سوء رفتار آنها با مردم، تأثیر به زائی دارد.
- ۳ - بانک برای هر هزار تومان پولی که وام می دهد یکصد ریال بعنوان ارزیابی می گیرد یعنی اگر کسی خواست صد هزار تومان وام بگیرد بایستی یک هزار تومان بعنوان ارزیابی بدهد، در صورتیکه این عمل برخلاف قانون کار است که مزد را بر اساس ساعت کار و یا تخصص کارگر می بردانند؛ زیرا عملاً دیده ایم ارزیاب بانک که در شهرستانها یکی از مأمورین بانک است و نه مهندس و نه معمار و نه پولش بچیب او می رود که بچیب بانک می رود، حدا کثره دقیقه برای بازدید گروگان می رود، و اگر در يك روزه خانه ارزیابی کند و هر کدام وامی معادل یکصد هزار تومان خواسته باشند سهم بانک از این ارزیابی ده هزار تومان می شود فاعبر و یا اولی الابصارا

کشتیبان را سیاستی دگر آید !

ارزیاب خانه ترا که بیش از یک میلیون ریال ارزش دارد قیمت می کند و سپس بانك به يك سوم بهاء قیمت شده وام می پردازند (۱) تازه هنوز خوان اول از هفتخوان بانك است که تو در پیش داری ! و شرط اول قدم آن است که با تمام شرایط بسازی و صبر داشته باشی که ان الله مع الصابرين !!

بانك به محضری که خود می داند ترا حواله می دهد، مخارج تنظیم سند معلوم است که کلا بهمه سرکار است. وام سیصد هزار ریال برای مدت ده سال با اصل و فرع تقریباً می شود ششصد هزار ریال که سند روی همان ششصد هزار ریال تنظیم می شود، آنگاه محضر ترا معامله گر خانه ای بقیمت شصت هزار تومان می شاسد که روی همان شصت هزار تومان ثبت از تو حق الثبت ۱ و معادل حق الثبت ۱ و محضر دار حق التحریر اشیر و خورشید اعانه اشهرداری عوارض ۱ و کارکنان محضر شیرینی ۱ می خواهند !

بهر کدام هم التماس کنی که خودتان بهتر می دانید که من معامله گر نیستم بیچاره ای هستم که وام تنزیلی می خواهم کسی گوشش بدهکار نیست. بسیار خوب در تمام معاملات در همه دنیا معمول است که طرفین معامله در شرایط باهم توافق کنند. ولی اینجا همیشه حق با بانك است شرایطش چاپ شده و غیر قابل خدشه است !!

سپس بانك خانه مزبور را نزد شرکت بیمه دولتی، بیمه خسارت می کند این بیمه اجباری است و حق بیمه نیز صد البته که بهمه وام گیرنده است (۲)

مشتری باید در صد اذوام در بافتی را نزد بانك پس انداز نماید، این پس انداز اجباری است و طبق يك قرارداد با یستی برای مدت یکسال و نیم حق برداشت را از خود سلب نماید جالب اینکه بهمین پولی که پس انداز کرده ۱۲٪ بهره می دهد و از بانك ۷٪ بهره می گیرد ! درست معامله ملانصرالدین ! و مگر هم میتوانی اعتراض کنی که همیشه حق با بانك است (۳)

۱ - البته اگر سند خانه درست باشد، ابعاد آن با ابعاد مذکور در سند جور آید، اشکالی بجهت ساختمان نداشته باشند - که مثلاً این خانه رو به مغرب است و اذارش ساقط است - خارج از محدوده بانکی نباشد - که بانك را برای تشخیص داخل محدوده و خارج محدوده ضابطه ای است و شهرداری را ضابطه دیگر و هیچ کدام هم ضابطه یکدیگر را قبول ندارند، و مردم هم ضابطه هیچ کدام را، و صدها اگر دیگر !

۲ - طبق قوانین اخیر بانك خرج محضرو حق بیمه را قبلاً یکجا و بطور یکس از مشتری می گیرند و سپس به محضر می روند این قانون اخیر هم برای بانك بی گفتگو تراست و هم سود بخش ترا دوروز هم مبلغی در حدود ده هزار ریال برای وام سی هزار تومانی زودتر می گیرد غنیمت است !

۳ - طبق قوانین اخیر، کسیکه قصد دارد از بانك وام بگیرد، بایستی شش ماه زودتر بكمك رمل و جفر و اسطرلاب! معلوم کند که محتاج وام خواهد شد و از همان موقع حساب پس انداز در بانك باز نموده مبلغی پس -

انداز نماید تا پس از شش ماه مثلاً دو برابر و پس از یکسال $\frac{1}{4}$ برابر پس انداز از بانك بگرفتن وام مفتخر گردد !!

از آب يك جوی را کم کرد و بر مقدار آب جوی دیگر افزود، و رفت ، طولی نکشید جوانی را دید آمد برعکس سهم جوی دوم را کم کرد و بر مقدار آب جوی نخستین افزود و رفت . پس از چند دقیقه قضیه تکرار شد پیرمرد رسید و سهمی جوی نخستین را کم کرد و بر مقدار آب جوی دوم افزود افضل الدین از او پرسید این آبها از آن کیست ؟ و بچه مناسبست تو يك جوی را زیاد و جوی دیگری را کم میکنی. گفت

این آب بین من و برادر مسلمانم مشترك است سهمی به زراعت من می رود و سهم به زراعت او؛ چون من پیرترم و تقریباً عمر خود را کرده ام و احتیاجم بمال دنیا کمتر از او است ، من مقداری از سهم خودم را می بندم تا سهم رفیقم که جوانتر است زیادتر شود، او جوان است و ازدواج نکرده احتیاج به پول بیشتر دارد؛ بگذار زراعت او سیراب تر شود تا محصول بیشتری عائله او گردد؛ بتواند ازدواج کند و تشکیل عائله دهد .

پیرمرد رفت و طولی نکشید جوان برگشت و کار اول خود را تکرار کرد، افضل الدین از او علت کارش را جویا شد .

جوان پاسخ داد : مردی مسلمانم، و این آب بین من و پیرمردی مسلمان مشترك است من جوانم و زنی فرزندی ندارم و از این جهت مخارج من کمتر است، ولی او پیرمرد و عیالمنداست و خرجش بیشتر، من قدری از سهم خودم را می بندم تا سهم او افزونتر گردد و زراعت او سیراب تر شود تا بتواند محصول بیشتر برداشته مخارج زن و بچه اش را تأمین کند.

اقساط را بایستی درست و بموقع پردازد، اگر تسلی دیر کرد بانك اخطار می کند و پس از اخطار دین مؤجل تبدیل به دین حال شده و بانك می تواند به اجرا بگذارد و تمام طلب خود را یکجا بگیرد . تمام این محکم کاریها را بانك میکند برای اینکه بتواند اصل و بهره پول خود را بگیرد و الاصلد البته که نمی خواهد رل شمر و ستان را بازی کند .

حالا بانك اسلامی چه می خواهد بکند؟ چگونه امانت مشتری را می فهمد و بامشتری خائن چه میکند ؟

والبته می دانیم که این گرفتاریها همه در اثر سیستم غلط سرمایه داری غربی است که اسلام بکلی از آن بیزار است ، **ظاهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس** این فساد که در زمین پدید می آید همه و همه نتیجه اعمال خود انسان است (قرآن کریم) در یک جامعه اسلامی ، نظام ربا خواری بکلی مطرود است . مضاربه نیز در آن نظام صالح چون مبنای کار مردم بر امانت و تقوی نهاده شده کمتر گرفتاری و درد سر خواهد داشت . در آن محیط حق گرفتن مشکل نخواهد بود که مردم خود در پی تأدیه حقوق دیگرانند. در سر مجاورت فضل الدین عارف معروف معاصر خواجه نصیر الدین طوسی، در دهستان مرقمی گویند: وقتی افضل الدین وارد مرقم از دهات کاشان شد، به نهر آبی رسید که از آنجا آب دو قسمت می شد و هر قسمت زراعتی را مشروب می کرد، افضل الدین بتماشای آب نشست پیرمردی را دید که آمد، قسمتی

افضل‌الدین از سخنان پیرمرد و جوان خوشنود شد و گفتم سزاوار است انسان در این ده و نزد این مردم مجاورت کند. آری در یک جامعه سالم پیر بفکر جوانو جوانش بفکر پیر است ولی در اجتماع کنونی ما، ثروتمند می‌خواهد فقیر را بیچاره کند و بیشتر خون او را بمکد، و فقیر در صدد تصاحب اموال ثروتمند از راه نامشروع است و کار هر دو لنگ، و هر دو گرفتار! با این حال برای اینکه گفتیم بانک اسلامی را

می‌خواهیم در این محیط و با همین شرایط، و همین مردم افتتاح کنیم و به مضاربه بپردازیم بایستی چاره‌هایی را که بانک اسلامی می‌تواند برای جلوگیری از بیف و میل سرمایه بیاندیشد بررسی کنیم:

۱ - بانک دایره‌ای بنام دایره تحقیق و بررسی مرکب از چند نفر مأمور امین و کارآزموده تشکیل می‌دهد، تقاضاهائی را که برای گرفتن سرمایه به بانک می‌رسد در اختیار دایره مزبور می‌گذارد، بانک یکی دو نفر مأمور بطور مخفی به بازار می‌فرستد تا در باره وضع مشتری از حیث امانت و درستی تحقیق کنند، بانک تنها به مشتریان امین که صحت و درستی آنها مورد تصدیق مأمورین باشد سرمایه می‌دهد (۱)

۲ - بانک دایره بنام دایره کاوشها و راهنمائیهای

اقتصادی تشکیل می‌دهد کار این دایره این است که اطلاعات اقتصادی را جمع‌آوری نموده، ترقی و تنزل قیمتها، کمبود و فراوانی کالا، قیمت ارزاق و اجناس، و خلاصه کلیه اطلاعات اقتصادی را از بازار و مراکز و مجامع اقتصادی جمع‌آوری نموده هم مشتریها را راهنمایی می‌کند و هم بعلت آگاه بودن از وضع بازار صحت و سقم ادعای مشتری را در مورد سود و زیان سرمایه تشخیص می‌دهد.

۳ - بانک مضاربه پذیر را ملزم می‌کند که در موقع تنزل نرخ اجناس و یا سایر مواردی که به زیان سرمایه می‌انجامد فوراً دایره کاوشها و راهنمائیهای اقتصادی بانک را مطلع سازد، تا بانک در صورتیکه می‌تواند راه چاره‌ای بیاندیشد، مضاربه‌پذیر را راهنمایی کند و الا خود در جریان خسارت بوده باشد.

۴ - مشتری باید نوع کار و تجارت خود را اول به اطلاع بانک برساند، و دایره کاوشهای اقتصادی بانک پس از بررسی لازم در صورتیکه کار مشتری را مفید و سودآور تشخیص داد به او سرمایه می‌دهد و او را نیز راهنمایی می‌کند و در صورتیکه کار او را سودآور تشخیص نداد به او سرمایه نمی‌دهد و یا به کار دیگری وی را راهنمایی می‌نماید.

۱ - نظیر تحقیقی که بانکهای ربوی در مورد دادن اعتبار به مشتریان خود می‌کنند.

مبلغ وام داده شده	۲۴۴۰۰۰ ریال
مدت	۱۰ سال
نرخ بهره	۱۱٪
نرخ کارمزد	۸٪
نرخ بیمه	۰٫۸۵٪
میزان قسط	۱۰۰ ریال
آغاز استهلاك	آخر اردیبهشت ۱۳۰۰
شماره قسطها	۱۲۰
اداش کروگان	۳۰۰۰۰ ریال

در هر روز ۱۳۰۰

طرز احتساب مبلغ وام	۱۸۴۰۰
حق بیمه	۱۸۴۰۰
درآمد متفرقه	۷۰۰۰
درآمد و هزینه ارزیابی	۱۸۴۰۰
وام	۲۴۴۰۰

و چون به طبق مقررات برای تکلیف این سند دریافت شده :

ریال	۲۰۲۰۱۶۲
۲۰۸۴۳۸	
۲۴۴۰۰	
۲۴۴۰۰	

بموجب چک شماره ۲۷۵۵۳۵ به مبلغ ۲۴۴۰۰۰ ریال
 بابت بیمه یکساله با ارزش ۲۰۸۴۳۸ ریال
 بابت بهای اوراق
 بابت ارزیابی
 بابت قرارداد شماره
 محسوب میشود
 محسوب میشود
 محسوب میشود
 محسوب میشود
 جمع

حق القیبت	۱۸۴۰۰
معدل حق القیبت	۱۸۴۰۰
حق القیبت بر	۷۰۰۰
عوارض شهرداری	۱۸۴۰۰
بهای اوراق	۱۸۴۰۰
شهر و خور و عید	۲۹۴۰۰
جمع کل بر ریال	۲۹۴۰۰

همانطور که ملاحظه می کنید ؛ طبق سند بالا وامی تقریباً به مبلغ ۳۴ هزار تومان گرفته شده که پس از حذف مخلفات ۱ به حدود ۳۰ هزار تومان تنزل یافته و تا پایان مدت تقریباً به دو برابر (۵۹ هزار تومان) ترقی می کند ، در حالی که مدت آن - با توجه به استهلاك تدریجی - عملاً پنجسال است ؛ چه تجارت بر سود و

بی ضرر و امن و آمانی ۱۱٪